

قیمت سالانه
دارالسلطنه کابل ۷
رویه کابل
در اطراف داخله مملکت
۱۱ روپیه کابل
در خارج مملکت
۱۳ روپیه کابل
(به هر هفته یکبار)
(نشر میشود)
قیمت يك نسخه آن
در کابل ۸ پیسه میباشد
(اوراقی که درج نشود
(اعاده نمیشود)

امان پند

۷ ۳ ۳۰ ۷ ع

(سر محرر)
(پاینده محمد)
(فرحت)
البرهان
ده افغانان کابل
(مهمامورات نحر بره)
(به اداره خانه)
(فرحت افغانیان پاینده بلد)
(بنام مدبر)
(فرستاده میشود)

تاریخ شمسی ۵ سرطان ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۱۰ ذقمة الحرام ۱۳۴۰ قمری
تاریخ انگریزی ۵ جولائی ۱۹۲۲ عیسوی

(کیفیت مراسم ضیافت وزیر مختار صاحب)
از جناب اعلی حضرت غازی و صورت
نطق ذات شاهانه در لیل پنجشنبه ۲۵ ماه
جوزا در قصر سعادت حصر دلگشاه که
باداره تاجزانه ما رسیده و ما آنرا عیناً
درج صحیف جریده خود نموده بسمع
قارئین محترم خود میرسانیم اینسکه :-
اول همه شما خوش آمدید میگویم
علی الخصوص بجناب وزیر مختار که
بعد يك سفر بسیار دراز باز به وطن
خود افغانستان رسیده اند کویا برای من
و ملت افغان يك نور چشمست امشب

خوشی و میلۀ که داریم فقط برای مهمانی
جناب شان است و جناب شان خدمت های
را که برای دولت و قوم خود کرده يك
يك را پیش روی نان نادرجه که ممکن
دارد وزیر صاحب خارجه قرائت خواهد
آرد و جناب نان خواهد شنید .
بعد از اختتام نطق ذات شاهانه عروج
وزیر صاحب خارجه برخواستہ کارروائی
های وزیر مختار صاحب را زبان بسیار
سلیس قرائت نمودند :-
پس از اختتام کار روئی های وزیر
مختار صاحب ذات شاهانه فرمودند .

من عاجز و تمام ملت افغانستان برین
 قائل هستم يك هیت که در ممالک خارج
 برود زمام اختیارات او وزارت خارجه
 نطق دارد . اگر وزارت خارجه خوب
 انتظام نمیکرد رفتن اعضایش عبث و ناهشی
 نیست. لهذا من از وزارت خارجه و جناب
 وزیر صاحب خارجه اظهار تشکر میکنم
 زقیات که با افغانستان از فکرهای عالی شان
 رسیده انگار شدنی نیست سفر مختار
 همبر ماور چشم ماست نه از من نوی بلکه
 نور چشم تمام ملت افغانستان است
 بناسبات که کرده اند عیدام چقدر اظهار
 محنوت کنیم در هر دولت ، محنت و شرف
 نام افغانستان را بدرجه نگاه کرده اند
 که از اندازه که ما فکر میکنیم هم زیاده
 است اگر چه بنگر بعضی نظری خواهد
 گذشت که جمله کار روانی های شان به
 يك ساعت خوانده شد لکن حقیقت آنرا
 کسی نمیداند که در چنگ سیاست کدام
 دولت گرفتار شود و يك جدید و مساعدت
 عهد نامه حقوق خود را مالک کرد مقابل
 اجتناب محنت های که برای قوم افغان
 رسانیده بوی این طور عهد نامه های
 محترمانه کامیاب گردیده ایم آیا بجه اندازه
 اظهار مهروریت نمایم
 بمقابل خدمات وزیر صاحب خارجه
 که امروز نائل لشکرات گردیده اند این

اشان امر اعلی را که اولین نشان ماست
 تقدیم میکنم و مبارک باد گفته و دعای محنت
 و کامیابی شان را مینایم . از خدای خود
 آرزو دارم که همه وزراء دولت افغانستان
 و تمامی قوم افغان بگرفتن نشان های اشان
 و شرف کامیاب شوند .

بعد از اختتام نطق ذات شاهانه عوج
 وزیر صاحب خارجه نطق ذیل را ایراد
 فرمودند .

برای هر فرد از افراد ملت نه تنها
 بخود این بنده این وظیفه مقدس را جمیع
 استان يك و وظیفه اسلامیت بلکه فرض
 است که بدولت و ملت و وطن مقدس خود
 و اعلیحضرت و پادشاه ولی نعمت خود
 بجان ابراز خدمت و صداقت نماید و هر
 توانایی که در وجود بود آنرا صرف
 مقدرت گفته ازین راه مقدس در بیس
 فرمایند ، وجود عاجزانه این غلام شاهانه
 و قفا فوقاً خدمت دولت و وطن مقدس
 خود را حسب الوظیفه ایفا نموده بقرار
 فرموده اعلیحضرت پادشاه عبور خود
 به انجام وظیفه که داشتم کامیاب آمدم
 لیکن این قدر عرض بحضور اعلیحضرت
 پادشاه بمقام خود و جمله حقدار کرام
 دارم که (۸) سال ذهن و فکر مرا بخدمت
 اقیام اهالی وطن مقدس خود (۳) سال
 از قضا آن از مفاوضات اعلیحضرت پادشاهی



احتفال بلند کردن بیرق بار و اوق افغانی در لندن که تايك درجه
 مراکز کفرستان میتواند شد --

عرض میکنم که تمنایم را قبول فرمایند
باین اگر مانند محمد ولیخان يك شخص
لابق و ذائق یافته نمی شد البته تادم مرك
كوشش میکردم مگر درین وقت بكمسال
عجز استرجا میدادم که ذات ملاکوت صفات
شاهانه تا چندی عرضهام را منظور فرمایند
تا باز برای خدمت وطن عزیز خود اگر
خداوند خواهد خدمات شایسته ابراز
نمایم .

بعد از اختتام معروضی . عوج وزیر
خارجیه ذات اعلی حضرت ملوکانه فرمودند :-
اگر چه من راضی نیستم که وزیر خارجیه
ما از وزارت خارجیه جدا شود لاکن اگر
شما باشید یا محمد ولیخان باشد برای ما هیچ
فرقی ندارد تا به حال خدمت های خوبی
برای افغانستان کرده اید من از شما
راضی هستم خداوند از شما راضی باشد
حکما هم گفته نمیشود که يك شخص به
يك وزارت یا يك کاری که مقرر است
مجبور ا کار بکند . بعد از چندی استراحت
امید میکنم که از شما خدمت های بسیار خوب
بگیرم باین لحاظ فقط برای استراحت شما بقدر
چندماه شما را از وزارت خارجیه جدا
کرده بیکار های وزارت خارجیه محمد
ولیخان را مامور کردم و بعد ازان که
قدری آسوده شدید دولت افغانستان

بوزارت خارجیه (من غیر استحقاق)
ناشل شده منادیا از مرکب خون دل
و مزگان های قلم بدماغ کار کردم چنانچه
مشکلات و پیچیدگی های که بدماغ ناجیزانه
ام حل شد برای اکثر اهالی وطن عزیزم
ظاهر و هویداست . درین خصوص دماغ
این عاجز خیلی ضعیف شده بیماری ام
بدرجه رسید که بخود اعلی حضرت پادشاهی
معلوم بودا کر بنده را مدت یکماه رخصت
نمیکردند تا امروز هیچ کار از من گرفته
نمیشد حالا از لطف پادشاه معظم خود
يك چندکاه استراحت می خواهم و کسانی
كوشش میکنند برین که يك فرزند صالح
پیدا کنند تا در يك وقت عصای پوری او
شده سبب آسایش آن گردد درین وقت
به این عبیدنا توان عاجز خداوند کار ساز مانند
ارجمند سعادت مند آقای محمد ولیخان
يك عصای خوبی داده که جناب شان
برای خدمت وطن عزیز خود لازم ملک
خارجیه شده و از کار های وزارت خارج
وروش پادشاهان آنها واقفیت کامل
حاصل کرده با خدمات شایسته باز پس
رسیده اند و در هیچ گاه کامل فاضل خیلی
لابق آقای محمد ولیخان در استقامت و
صدافت ازین بنده عاجز تقصیری و کمی
نیاورده اند بناؤذک بحضور پادشاه معظم
محبوب القلوب خود بکمال هجرت و افسوس

از جناب شما امید بسیار خدمت ها را داده
ندیدر خدمت های گذشته شما را کرده
دشان المر اعلی را برای شما تقدیم کردم
و بمقابل خدمات وزیر مختار ما و نور چشم
ما که اولاً بیان کرده شد این نشان المر
اعلی را برای جناب شان تقدیم میکنم
پس از اختتام نطق ذات شاهانه
جناب وزیر مختار صاحب ریا خاسته
فرمودند :-

خدای قادر توانا چون میخواهد که
يك قوم و يك ملت را بدینا صاحب سعادت
بسازد . برای او يك اقتدایا يك پیشوا
یا يك پادشاه مثل اعلی حضرت امیر
(امان الله خان) غازی بر میگزیند درین
هیچ شك و شبه نیست که کار امور را
زیاده دانستن کار اعلی حضرت غازی مان
است در مقابل این مرحمت فوق العاده
اعلی حضرت پادشاهی هیچ زبان شکر گذاری
ندارم بدون ازین که جان خود را فدا
کنم دیگر چیزی نیست . و این معلوم است
که کار را کار فرما میکنند هیئت که از حضور
بمراه من باین سفارت مقرر شده بودند
هیچ چیز را يك شر موی از قرار حکم
شخصور شاهانه شان زیاد و کم نکرده اند
این يك فرض مصیبتی مابود امری که از
حضور برای ما می آمد و هدایات که از
حضرت وزارت پناه افظم ما می رسید

آ را با انجام می رسانیدیم باین و مصل
معراج يك خدمت کار است که حکم پادشاه
و ولی نعمت خود را به هدایت حضور شان
با انجام رسانیده نارضای او را حاصل کنند
امروز دگر هیچ آرزو و مقصدی ندارم و
هیچ چیزی کرده می توانم مگر عهد
میکم با خدای خود يك حال که دارم
آن را در راه ترقی دین فدا کرده خون
خود را برکاب اعلی حضرت مجاهد خود
بریزانم از خدای متعال خود آرزو دارم
که به آنچنان خیالات که بدماغ اعلی حضرت
جادارد ملت افغان را من بخشم خود بر
سایه خمر وانه کامیاب بینم باقی از خدای
خود سلامتی پادشاه غیور افغانستان را
و اهالی آنرا و وزراء معظم را میخواهم
ذات شاهانه فرمودند :-

از خدمات هیئت سفارت خیلی خورسند
و رضامند هستم و بر ایشان بکلك نشان
استور تقدیم میکنم . از خدای خود
تمام ملت افغان را پیش قوم و دولت شان
مشلیکه جناب شان سر افرزند حضرت
وسر فراز می خواهم خدایا ترقیات که
تومیدانی به عالم اسلام خصوصاً ملت
افغانستان نصیب بگردان
آلهی در شجاعت قوم افغان بافرزانی
زنده باد ملت اسلام
زنده باد قوم افغان

حضار

زنده باد پادشاه غیور ترقی خواه ما
پاینده باد سلطنت اعلی حضرت مجاهد ما
— (امیر امان الله خان) —

(تمدن و عمران (یا) نتایج آمال انسان)
شبهه نیست ، احتیاجات بشریه برای دفع
مصرات و جلب منفعت بلکه برای ادامه
حیات باعث وجود مجتمعه آدمی گردیده
تبادل افکار و معاشرت و تعاون در اعمال
با همی انسانها (مدنی بالطبع بودن) آنها را
اخراق و اعلام نمود .

بلی معلوم است يك آدم برای محافظه
نفسش از اضرار و امتداد زندگیش بماند
الحیاء ضعیفتر است از یکی حیوانات ساثره
چون نمیتواند مانند آن جسم ، خوردنی
خودش را تدارک نماید و با از ورود بلیتی
بالمحلّه طبیعی که ندارد مدافعه نماید .

از همین سبب معلوم ، آدم است که
بر آن اطلاق کرده میشود : مدنی بالطبع
است و محتاج است بهیئت اجتماعی اولاد
آدم . — البته این تمدن طبیعی و احتیاجات
فطری متقاضی آنست که مدنیّت نتیجه
مقدمات عملیات هیئت اجتماعی انسانی بوده
باشد ، و هم هست !

اما این احتیاجات آنها نمیتوانست آنها را
تأبید درجه ها مجبور بمساعی و اعمال خارق
العاده برای ترقیات زاید الوصف عالم بشریت

نماید . بل خواص طبیعی اولاد آدم را
که مستعد است بر رسیدن (سعادت زندگی)
و تخریقش با سایر حیوانات ازین استعداد
کرده شده . رفته رفته تشویقات در اجتهاد
طریق تمدن میکرده است . یعنی . تمدن
و عمران نتایج آمال شهوانی نوع انسان است
هر فرد بشر نظریه آمالی که دارد و میبخواهد
بآن نقطه امید منظوره خویشتن نایل گردد ،
مجبور است کم و بیش در هیئت بشریت
خدمتی نماید . هر چند سبب استعمال آن
نظر به بنیوت اعتقاد معتقد ینش و نسبت
باندازه و حدود عقول و افکار و استعداد
ذاتی اشخاص ، مختلف و اعلی و اسفل
است ، ولی ! این مبانیّت ابدآ با اساس
و اصول آن مجبوریت طبیعی بر هم نمیخورد ،
و همه برابرند !

مثلاً طبقه اگر ایضای پست ترین
خدمات نوعی را کردن می نمود ، و با فرقه
بلند و مهمترین انواع خدمات اجتماعیات
را گری می بندد ، باز هم از آنجا که هر دو از
نقطه انظار آمال خویش حرکت کرده اند
برایند ! یعنی فرقه فقیر اولین نیز برای
رسیدن بنقطه امید خویشتن خواه منافع
و خواہشات ادبی خواه اقتصادی خواه
دیگر بوده باشد مساوی بمقدار خیال خود
آن رفتار را اختیار کرده است . کفا
کرده جلیل دو بعین هم که همان مقصد

و خیال حرکت کرده است . — لا بدآ مقدمه
این مساعیات انسانی در امور و معاملات
اجتماعی . — برای حصول نقطه امید و آمال
خودشان . — ترقیات و تمدن روز افزونی
را در پی داشته و دارد ؟ پس میتوان
گفت : تمدن و عمران نتایج آمال
انسانست ! اگر آمال آدم اقتضا نمیکرد ،
انسان مجبور نمیشد اضافه از سرحد لزوم
بمساعی و اعمال کوشش ورزد . —

اگر سعی و عمل انسانها در میان نمیبود ،
تمدن و عمران موجوده عالم بشریت البته !
در میدان نمیبرآمد !

یعنی تا امید و آمالی نمی بود هیچ آدمی
و حکمی بسبب فقدان يك قوت راننده دیگر ،
نمیشد در معابر خدمات مدنیه باین اندازه
بسی سرحد سوق گردد . مثلاً وقتاً که
احتیاج بشری را در مسئله تنورات ،
موجودیت خس و خاشاک و اجار جقماق
مکفی بود ، حکمای دهر را کدام قوه قاهره
دیگر سوای آمال شهوانی از هر قبیلش
که باشد مجبور کرده است تا سالها خون
چکر خود شان را تقدی کرده در فکر کار
گرفتن از الکثیر و بخار و ایجاد آلات
مجل و اتوار برآیند ؟ و قس علی البواقی !
آیا هنوز نمیتوان گفت : تمدن و عمران
نتایج آمال انسانست ؟ اگر آمال بشر
نمیبود سعی و عمل مولود نمیشد ! اگر سعی

و عمل نمیبود تمدن و عمران در بشریت
ظهور بصورت زاید الوصف نمیکرد . —
آری اگر همچنین است پس معلوم است ،
از آمال انسانها هدر گردد مساعیات
جدی شان مطلق شود ، از تعطیل سعی
و عمل آنها بمقدار مراتب و اهمیت شان
تمدن و عمران که نتیجه آمال آنان است
عدم و نایاب ماند ! —

آن آمال بدون و هاون بس جلیل
طبیعی که محرک مساعی و اعمال (خارج
از حدود لزوم صرف احتیاجات) گردیده
باعث تمدن و عمران يك مجتمعه بشری
میشود . غالباً چه میا میکرده ، بطلت عدم
حسن تصرف اشخاص سعی و جاهد
در طریق استعمال برای حصول مقصد
میشد که محصل را ناکام و نتیجه را مدموم
میکندارد .

این بدبخشی ناکامیایی که سعی را
بسی نتیجه میاندانند از جهل است . برای
جلو گیری از پیش آمد و وحیم سیلاب این
بدبخشی است که علم آزرده شده . از غیبت
که در هر مملکت علم زیاد است . تمدن
زیاد است . در هر وطن که علم کم است
توحش بسیار است . — اما در جماع موحد
زیاده بر تصادم آثار جهل و آمال انسانی
(که موجود تمدن و عمران است) غالباً
این آمال (ولو با حسن تصرف عالمانه
محصل ازین سعی و عمل جستجو کرده شود)

معروض هجوم خدمات فیدان انداز دیگری نیز است مثلاً : افتاد غریب بك محترم و بك حكيم بر ملاف تقدیر بدمم می شود و بجای اشتراك ازان تنفر و انفكك دیباید و باحسن ماملات و بیكوثی خدمات اجتماعی اشخاصیكه سب تمدن يك جامعه انسانیت یاسوه نظریات تلقی می شود . و گاه گاهی هم بجای مكافات كه یکی از آمال حقه آنها ست مجازات داده می شود . كه اینهمه اسباب اهدار آمال و موجب اهدام اعمال و مساعی و باعث اعدام تمدن و عمران آن مجتمعه مو حشه بدبخت ست ازين سبب معین است كه بجامع غیرعالمه ناقرون بعیده غیر معموره و غیر متمدنه اقامی شوند : گویا ! دست رسائی مرور دهور و تاثیر دوران طبیعت هم در افتتاح این سلاسل بدبختی و دوره توقف عمری شان كتر قطعی میكرد :

امضاء

(میرغلام محمد الحسینی)

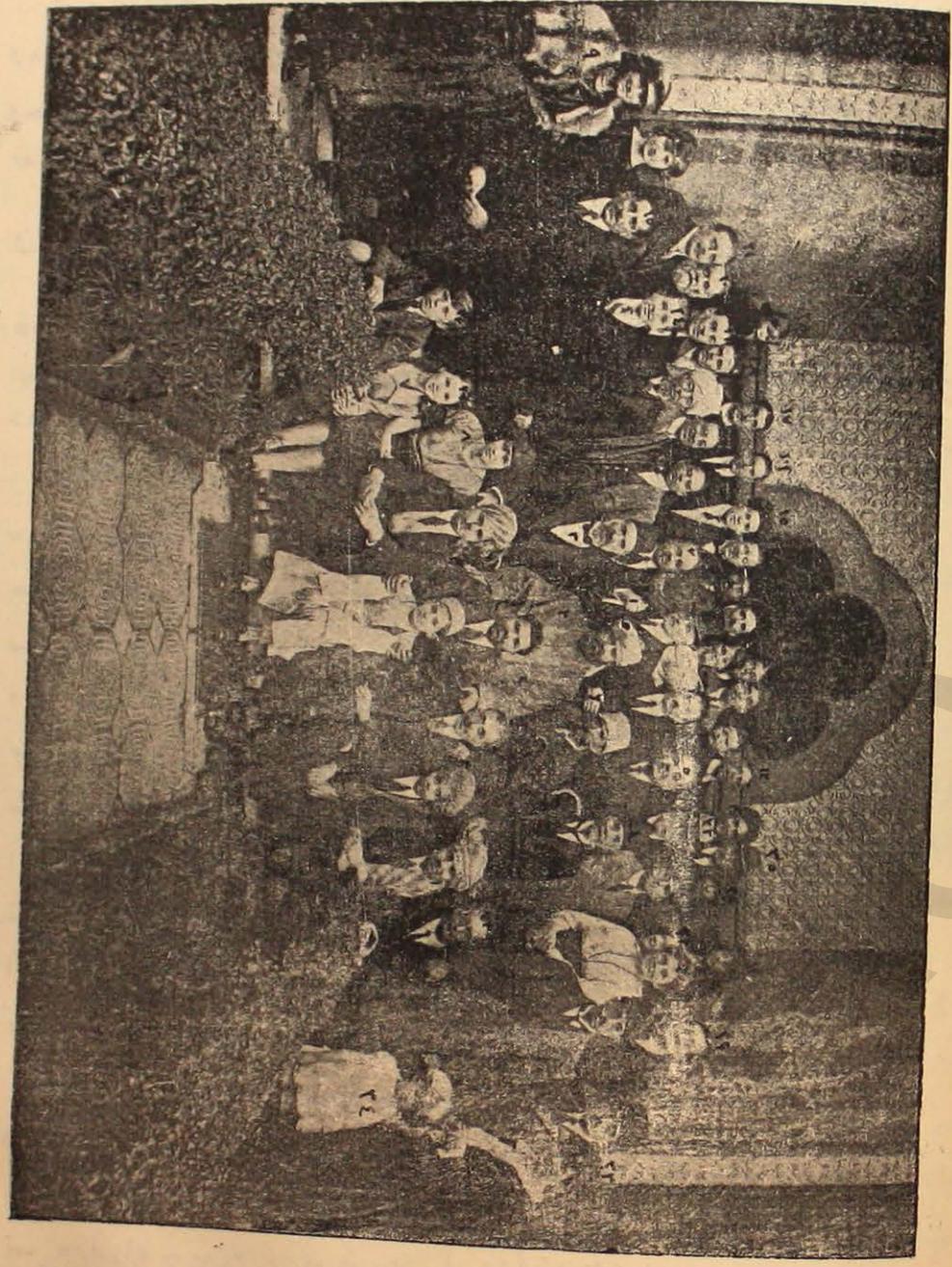
ورود مسرت آمود هیئت فخمیه

سفارت حكومت ملیه انقره

بدار السلطنه كابل

قبلاً قارئین باتمكین مان بذریعه جریده اتفاق اسلام (منطبعه شهر نصرت آیات هرات) از كوائف مبارک شدن هیئت سفارت حكومت انقره به سر کرده كه جناب جلالت و فخامت مآب فخری پاشا و به مهمانداری

جناب و ایت مآب آقای محمد گل خان (مستشار سفارت دولت علیه افغانستان) متعینه حكومت علیه انقره با منظر (و با ارسامه پیرانی و استقبال شان كه در شهر هرات بجا آورده شده بود كامل واقف و مطلع شده باشند كه تون كه هیئت سفارت معظمه موصوفه بتاریخ پنجم سرطان (۲۵ جون) بحد قلعه قاضی (كه از دار السلطنه كابل بقدر هشت میل بطرف جنوب مغرب مسافره ادا راستی) وارد شد از طرف وزارت جلیله خارجه ، جناب محترم فقاهت شیم اقای عبدالشكور خان (مدیر و مامور امور دولتیین عثمایی و ایرانی) بهراه سه عرابه موتر اعلائی تیز رفتار بغرض استقبال و سواری جناب سفارت مآب جلالت انساب فخری پاشا و هیئت سفارت معززه شان بعمل آید بجه صبح در انجا رسیدند همانا بعد از مصافحه و معاافه صمیمانه و ایراد نطق های موثرانه هم رنگی و هم دوستی جانبدار بسواری موترها در (مهتاب باغ) اشرف آوردند - پذیرائی و استقبال شان در نجاندزیمه جنابان محترم و شجیمان مكرم اعنی تركان احرار يكه مقیم كابل هستند و بواسطه يك تولى سپاهیان عسكری و مردم رغبتی كه باز ادران دینی و دنیوی خود تركان احرار يك صمیمیت ذاتی و محبت قلبی دارند به نوای موزيك و ادای حرکات تعظیم ، خیلی بكرم جوشی و اظهار دوستی اجرا شد -



(دین و سیاست در اسلام)

منظره دلگشاى محراب و منبر (در گوشه هجای دنیایى جزائر بریطانیا) مسجد و وكنك و اعضاى پرتش مسلم سوسیاطی ، بشرف ورود اولین سفير افغانى در لندن فوتو گرفته شد

بعد از تأدیبه ترسبات عزت داری
 و پذیرائی ، بیانات اطلاق های مجبانه
 و صمیمانه از جایین ظلمها گردیده
 مصروف صرف نمودن طعام و چای و شیرینی
 شده به ۱۲ ۱/۲ بجه روز تازم دار السلطنه
 بقصر سعادت حصر عینیه (که نسبت به
 انعقاد محفل آیه الکرسی و تزیین شده بود)
 شدند -
 به دین ورود در قصر موصوفه ، اجرای
 سلامی و ارای مراسم پذیرائی مهمانان
 حبلی عزت و محترم مان که مراد از حضرت
 سفارت ما بی شان جناب (فخری پانا)
 و باقی اعضای سفارت عالیه شان میباشد
 بواسطه يك تولى عسکری ، یکصد نفر از
 طلبی منتخبه مکاتب اعلاى افغانستان
 (حبیبیه ، حریه) با ديك حلی بحال
 شفقت و محبت موی دیده بافرنیکه از
 امثال انار دولت و دماستقبال براد ان
 تره شان در قصر عینیه رسماً جبر شده
 انتظاری استند . صفحه و سه قه دوستانه
 و رادر به کردار و در ضمن صرف جای
 و شیرینی ، نطق مایه که منی بر احساسات
 صحابه برادران جنبین بود در معرض بیان
 آمد که انده در نامه آید درج اخبار
 شده به پیشکا . انظار قارئین کرام ماقدیم
 خواهد شد

(اسامی اجزا و اعضای هیئت فخریه)
 (سفارت مقدسه)

شريف بيك غنډ شرنانی - آتشه
 ملیر ترخص عسکری کفته می شود

منیر بيك - هاش کاتب سفارت

وصفي بيك - کاتب نانی

علی شوکت افندی - مژنی سفارت

صالح افندی - امام سفارت

عباس افندی - زجران سفارت

ندیم بيك - غنډ شرنانی

حسن بيك - کند کشر

حیدر عصمت - دا کتر

نوالدن بيك - تولبشر

جواد بيك - تولبشر

ناظم بيك -

(امان افغان) ورود بهجت آمود

حضرت جلالت ب سفارت انساب فخری

پشا (سفیر با تدبیر حومت عالیه انقره)

رابا بیگ - معظمه شان تبریک کفته از مداوند

کار - موفقیت امورات و خیالات حمیده

شان را نسبت به عالم اسلامی و افغانی

خواهتار می آید



چهارم خارجیه

عالم اسلام

(سفارت استمبول از طرف دولت علیه ایران)

حسب الاطلاع موصوله معلوم میشود

که جناب محترم آقای مفخم الدوله وزیر

مخار ابران مقیم ابطالیه ، بسفارت استمبول

منتخب شده اند .

(سفارت مسکاو منجانب حکومت ایران)

برای قائم نمودن مفاصبات تجارتی ما

حکومت روسیه ، از طرف دولت علیه

ایران ، آقای محترم تقی زاده باچندی

دیگر از ایرانیان منتخب شده اند که عنقریب

روانه مسکاو خواهند شد . (مکه مدینه)

(تشدد انگریزان بر ملیون هندوستان)

جناب آغا محمد صفدر صدر کتبه

کانکرس نجاب در بندبخانه نهایت لاضح

کنته اند وزن شان بقدر (۱۷) پلو کم

شده - مرض ذیابیطس شان روه رقی

گذاشته ، انتظام معالجه و تداوی برای

شان میسر نیست : طعام معقول هم داده

نمیشود - غیر از نان بندبخانه دیگر هیچ

طعام برای شان نمیرسد حکام بندی خانه

انزبای شارا میکنند که نان از طرف

خود برای شان بپزند -

حضرت مولانا ابوالکلام نیز در بندی
 خانه مرض های مختلفه گرفتار هستند -
 قبل از بندی کوی هم صحت شان خوب
 بود - طعام بیوقت و خلاف طبع برای
 شان مضر ثابت میشد - حال نان بندی
 خانه صحت شان را ضرر کلی رساند -
 مگر مولانا صاحب نه خود شان از حکومت
 درین باب چیزی استدعا مینمایند و نه مخلصان
 و معتقدین خود را میکنند که حکومت
 درین باب چیزی بگویند - انتظام تداری
 و سررشته و ملاقات اقربای شان هم درست
 نیست !

حکومت مدراس صدر وارا کین
 کتبه کانکرس مدراس را که به خاندان
 شاهی قدیمی مدراس تعلق دارد . بنا بر کار
 های ملت پرورانه شان ، برای يك سال
 حبس نموده است -

در ضلع (فاضلکا) واقع نجاب :-
 حکومت انگریزی صدر خلافت و نائب
 صدر کتبه کانکرس و چند نفر رضا کاران
 خلافت را بنا بر فعالیت ملت پرورانه شان
 برای يك سال و بعضی را برای (۶) ماه
 حبس نموده است -

حکومت انگریزی جناب محمد شعیب
 قریش : مدیر و سر محرر جریده بنگالیا
 (جریده ایست که مهاتما گاندھی آنرا
 جاری کرده بودند مترجم) و ناشر جریده

مذکور و مالا، مطبع مذکور را محبوس کرده است - (زمیندار پانویز)

(رفتا تحریک ملی هند)

در علاقه صورت هند تعلیم ابتدائی بسم اجباری طرف حکومت هند جاری شده مگر مردم بجه های خود را در مکاتب - کاری روانه نمینمایند بلکه در مکاتب ملی میفرستند - تعداد طلبه مکاتب ملی رو به زیاد است -

پندت مونس لال (سر کرده بزرگ هندوستان) شش ماهه میمادجلس خود را پوره کرده از بندی خانه دهائی بافته در جلسه خصوصی کبینه کانگریس هند که دارای یکصد نفر سر کرده میباشد شریک شده است درین جلسه ، قرار داده شد که تا سه ماه دیگر پروگرام تعمیری مجلس کانگریس در هندوستان اجرا نموده شود و بعد از آن بر حوال ملک غور و باز بنا فرمانی قوانین انگلیسی پرداخته شود (۵۵)

(ضیافت شام و بلز از طرف احمد)
(فواد شاه اعظم مصر)

اعلیحضرت احمد فواد پادشاه دیبجاه مصر بتاريخ ۱۲ جون (۲۳ جوزا) باعزاز واکرم شهزاده وبلزیک ضیافتی در قصر عابدیه تشکیل داده معزی الیه را مدعو نمود نسبت به تزیید عهنت و منزلت معار الیه بسا از ما وورین نامدار کشوری

ولشگری هم بلداس رسمی داخل محفل ضیافت بودند - (رهبر دکن)

(شرایط استقلال مصر)

انگلیس ها با چهار شرایط مصر را استقلال مرحمت نمودند (۱) باقی ماندن قشون انگلیس در مصر و اسکندریه و نیز سوز (۲) اختیار تمام کارات مصر و مصریان در دست انگلیس ها بودن (۳) کسانی که برای خلاصی مصر حرقی بگویند و یا حرقی بکنند اعدام و یا تبعید خواهند کردید (۴) سالی چندین ملیون لیرا از زحمت دست رنج فلاحین و اهالی مصر را بعنوان مختلفه بایست حمل جزیره بریطانیا بکنند (آزادی شرق)

(امان افغان)

زرطالم اسلامی

هر کس که این استقلالیت مصر را که همعصر موقر مان (جریده آزادی شرق) در معرض رقم آورده بنظر دقت ملاحظه نمایند البته نسبت به انگلیسگان اظهار بسامحنویت و مشکوریت خواهند کرد زیرا : - درین عالم کشمکش عجب یک حق محقوقه عالم بشریت را منصفانه رد نمودند ؟ (عبدالجبار)

درجهاپ خانه جروفی دار السلطنه کابل طبع کردید

(سر محرر پاننده محمد)